An Investigation into the Relationship Between Social Capital and Built Environment of Residential Neighborhoods with an Emphasis on Public and Open Spaces: A Case Study of Tabriz

Mohammad Soltanzadeh Zarandi*
Assistant Professor, Faculty of Art & Architecture, Bahonar University, Kerman, Iran.
(Received 3 Jan 2020, Accepted 4 May 2020)

Residential neighborhoods face challenges and anomalies in terms of their social aspect and the research upon various fields is aimed to find solutions to reduce or deal with them. Architectural and urban designers attempt to contribute to the promotion of social environment in neighborhoods and provide patterns, recommendations or policies in the scope of residence with regard to the concepts suggested in sociology, psychology and so on. Social capital is one of the notable concepts that have been proposed in recent decades. Social capital considers the resources available in the relationships of the individuals and groups and regards the resources as a capital for advancing the individual and collective goals. In the present century, it has been proposed as an option to confront the social challenges of human settlements in the form of communities and neighborhoods. Concepts such as social capital help designers to obtain a clearer picture of what is happening in communities and neighborhoods and to provide the physical solutions. This research seeks to explore the relationship between the built environment of residential communities (focusing on open and public spaces) and the social capital and to find components or criteria of the built environment associated with the social capital. Due to the diversity and multiplicity existing in the definition of the concept, this study introduces a certain framework and determines five components including the trust, reciprocity, place attachment, local participation, and neighborhood ties to evaluate this concept. It also describes some components for assessing the built environment in two aspects of physical structure of community and physical components, and develops the research model. This model is tested in two case studies in Tabriz, Iran, which are physically different. To achieve the goal, this study employs a combination of data (triangulation method) derived from survey, observations and objective structure of samples, and states that the built environment has a definite but minor effect on the social capital of inhabitants. The results showed that although the physical criteria of the two communities are different, especially in terms of the components contributing to the social capital as considered in the previous research, the level of social capital of the residents in the two samples and their assessment of the residential environment are close to each other. As the research suggests, it cannot be expected that the change in the built environment creates a balanced change in the behavior patterns of the residents. Beyond this general and remarkable result, the analyses showed that all the physical components affecting the social capital reviewed in the West do not appear to be true in the context of Iran. Also, among the physical criteria, the open space surface and the sidewalk surface are more strongly correlated with the social capital than the density. The most effective action for influencing the social capital through the change or modification of the physical structure is to predict the public green space (local parks), and among the influential components, the attractiveness of open and public spaces has the strongest relationship with the social capital of the residents. In general, this research states that it is necessary for refining, designing or improving the built environment of residential communities to avoid the direct referral to the Western studies and the mere reliance on their results and to involve the (social) considerations of the context of Iran. However, this requires extensive research to gain a proper understanding of the relationship between the social and built environment of the communities in the current Iranian society.

Keywords: Social Capital, Built Environment, Public and Open Spaces, Neighborhood.

* Corresponding author. E-mail: msoltan@uk.ac.ir

Copyright© 2020, the Authors | This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial .terms

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.75]

مقالهٔ پژوهشی

DOI: 10.29252/ciauj.5.2.75

سال پنجم، شماره دوم- پاییز و زمستان ۹۹

بررسی رابطهٔ سرمایه اجتماعی و محیط کالبدی محلات مسکونی با تأکید بر فضاهای باز و عمومی (نمونهٔ موردی: دو محله متعلق به شهر تبریز)

محمد سلطان‌زاده زرندی*

۱. استادیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۱۳، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۲/۱۵)

چکیده

محلات مسکونی با چالش‌ها و ناهنجاری‌هایی در وجه اجتماعی خود روبه‌رو هستند و طراحان در حوزهٔ معماری و شهرسازی تلاش می‌کنند با ارجاع به مفاهیمی برآمده از جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، و غیره، نظیر مفهوم سرمایهٔ اجتماعی، سهمی در ارتقاء محیط اجتماعی و کالبدی محلات داشته باشند. این پژوهش در پی کشف رابطهٔ سرمایه اجتماعی و محیط کالبدی محلات (با تأکید بر فضاهای باز و عمومی) و یافتن مؤلفه‌ها یا شاخص‌های کالبدی مؤثر است و به این منظور با ارائهٔ چارچوبی مشخص از سرمایه اجتماعی به بررسی آن در دو نمونهٔ موردی در شهر تبریز که به لحاظ کالبدی با یکدیگر متفاوت هستند؛ می‌پردازد. در این پژوهش برای نیل به هدف، از روش سه وجهی و ترکیبی از داده‌های برآمده از پیمایش، مشاهده و ساختار عینی نمونه‌ها استفاده شده است. بررسی مجموعه داده‌ها نشان می‌دهند که میان سرمایهٔ اجتماعی و شاخص‌های کالبدی فضاهای باز و عمومی رابطه وجود دارد اما شدت رابطه، کمتر از میزان انتظار است و به عبارتی نمی‌توان انتظار داشت که با تغییر در محیط کالبدی، تغییری متوازن و متعادل در الگوهای رفتاری ساکنان ایجاد شود. فارغ از این نتیجهٔ کلی، رابطهٔ شاخص فضای سبز و معابر پیاده با سرمایهٔ اجتماعی تأیید شد و برای اهمیت پارک محلی و مؤلفهٔ جذابیت در ارتقاء سرمایهٔ اجتماعی نیز شواهدی به دست آمد.

واژگان کلیدی

سرمایهٔ اجتماعی، همسایگی، محیط کالبدی، فضای باز و عمومی، تبریز.

* نویسندهٔ مسئول مکاتبات: msoltan@uk.ac.ir

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.75]

مقدمه

پیچیدگی‌های مسئلهٔ سکونت انسان که به خودی خود و ناشی از ماهیت مفهوم سکونت بودند در کنار شدت و سرعت تغییرات برآمده از عصر مدرن، سبب شدند تا انسان با چالش‌ها و عوارض متعددی در حوزهٔ سکونت روبرو شود و پژوهشگران را به تعمق در وجوه مختلف سکونت وادارد. وجه اجتماعی، یکی از وجوهی است که پژوهش‌ها به‌آن پرداخته‌اند و دغدغهٔ مقابله با چالش‌ها و عوارض برآمده از محیط اجتماعی سکونت بشر را در کالبد همسایگی‌ها و محلات دارند. نگاه اجتماعی به مسکن و لزوم توجه به زندگی اجتماعی انسان در فضا و مقیاس سکونت او، این پرسش را برای طراحان و برنامه‌ریزان ایجاد می‌کند که چگونه می‌توان کنش‌ها و تعاملات اجتماعی را در سطح محله و واحد همسایگی افزایش داد. فارغ از آنکه برداشت‌ها و انتظارات از نوع و شدت رابطهٔ میان محیط کالبدی و الگوهای رفتاری انسان در قالب نظریات و رویکردهای مختلف، تفاوت‌هایی دارند اما مطالعهٔ این رابطه در سایهٔ علوم رفتاری و طرح روش‌های تحقیق متنوع، در همسایگی‌ها و محلات گسترش یافته است. به بیانی دیگر دانش بشری در پی آن است که دریابد چگونه می توان با اتکاء به محیط کالبدی محلات و همسایگی‌ها، در سطوح مختلف خُرد تا کلان، از طریق ارائهٔ الگوها و توصیه‌ها به تغییر مثبت و هدفمند در الگوهای رفتاری ساکنان و محیط اجتماعی محلات رسید. از سوی دیگر برای پژوهش در وجه اجتماعی محلات، حوزه‌هایی همچون جامعه‌شناسی، روان شناسی، و نیز مطالعات محیط-رفتار مفاهیمی نظیر حس اجتماعی[1]، انسجام اجتماعی، تعلق به مکان، سرمایهٔ اجتماعی و ... طرح کرده‌اند که به تشریح و توصیف آنچه در بطن همسایگی و زندگی ساکنان رخ می‌دهد، کمک کرده‌اند و در نتیجه می‌توانند برای رفع مشکلات، راهکارهایی ارائه کنند. سرمایهٔ اجتماعی یکی از مفاهیمی است که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است و بر منابعی تمرکز دارد که در روابط و تعاملات افراد (همسایگان) نهفته بوده‌اند و در سطح فردی، محلی و جامعه قابل طرح هستند. سرمایهٔ اجتماعی مزایا و آورده‌هایی برای دارندگان آن (فرد و محله) به همراه دارد که به رفع موانع و غلبه بر مشکلات فردی و اجتماعی کمک می‌کند و به همین دلیل در بسیاری از کشورهای پیشرو توجه به آن در برنامه‌ریزی‌های محلی و سیاست‌گذاری‌ها مفید و ضروری دانسته شده است.

در سوی دیگر، همسو با افزایش توجهی که نسبت به وجوه اجتماعی زندگی ساکنان شهر در عرصه‌های عمومی پدید آمده است، فضاهای باز عمومی اهمیت فزون‌تری یافته‌اند چرا که آن‌ها بستر کالبدی برای وقوع طیف متنوعی از فعالیت‌های اجتماعی ساکنان در سطح محله و همسایگی بوده‌اند و تحقیقات به تأثیرات مثبت فیزیکی، روانی، اجتماعی و سایر تأثیرات آن‌ها اشاره کرده‌اند. وجه مشترک تعاریف، تقسیم‌بندی‌ها، توصیه‌های طراحی و هدف گذاری‌های مختلفی که برای این فضاها بیان شده، تأمین مطلوبیت کالبدی در جهت رفع نیازهای اجتماعی کاربر است. بر این اساس در حوزهٔ معماری و شهرسازی این پرسش مفتوح است که کالبد معماری محلات و همسایگی‌ها چگونه می‌توانند سهمی در افزایش سرمایهٔ اجتماعی ساکنان داشته باشد و در بیانی کلی‌تر چگونه می توان از طریق طراحی همسایگی‌ها، زمینهٔ بهبود و ارتقاء محیط اجتماعی را فراهم کرد. از آنجا که ایران در کنار روند توسعهٔ سریع خود از عوارض اجتماعی محلات مدرن مصون نمانده و از آنجا که مفهوم سرمایهٔ اجتماعی زمینه‌گرا بوده است و در بسترهای اجتماعی فرهنگی مختلف نمودهای متفاوتی دارد، این پژوهش تلاش می‌کند تا وجود رابطهٔ میان سرمایهٔ اجتماعی ساکنان و فضاهای باز و عمومی همسایگی‌ها را بررسی کند. به‌این منظور پرسش‌ها و فرضیاتی مطرح شده‌اند که بررسی پاسخ این پرسش‌ها و فرضیات در دو نمونه محله در شهر تبریز به آزمون گذاشته می‌شوند.

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.75]

۱. اهداف و پرسش‌ها

هدف غایی پژوهش آن است که با تمرکز بر محیط کالبدی محلات و به‌ویژه فضاهای باز و عمومی آن‌ها توصیه‌ها یا راهکارهایی کالبدی برای بهبود محیط اجتماعی و کاهش برخی عوارض اجتماعی محلات ارائه کند. این پژوهش برای نیل به هدف، به مفهوم سرمایهٔ اجتماعی توجه می‌کند و در پی آن به شناخت مؤلفه‌های کالبدی فضاهای باز و عمومی که با سطح سرمایهٔ اجتماعی رابطه دارند؛ می‌پردازد. بر این اساس فرضیهٔ اصلی قابل طرح، آن است که میان سرمایهٔ اجتماعی ساکنان و شاخص‌های کالبدی فضاهای باز و عمومی محله رابطه وجود دارد و فرضیهٔ دیگر بیان می‌کند افزایش میزان حضور ساکنان در فضاهای باز و عمومی سبب افزایش سرمایهٔ اجتماعی آن‌ها می‌شود. متأثر از این فرضیه، پرسش پژوهش آن است که چه مؤلفه‌ها یا شاخص‌هایی از فضاهای باز و عمومی و محیط کالبدی محلات بر سطح سرمایهٔ اجتماعی (یا مؤلفه‌های آن) و میزان حضور و ساکنان مؤثر هستند.

۲. پیشینهٔ پژوهش

نظر به دامنهٔ کاربرد وسیع سرمایهٔ اجتماعی در حوزه‌های مختلف، مطالعات متنوعی در پیشینهٔ موضوع قابل بررسی است اما آن مطالعات که تجربی بوده‌اند و قرابت بیشتری را با موضوع این پژوهش دارند، می‌توان در دسته‌های[۲] زیر جای داد: ۱. در برخی مطالعات، سرمایهٔ اجتماعی متغیر مستقل است و در آن‌ها به بررسی نتایج یا آورده‌های سرمایهٔ اجتماعی در مقیاس محله پرداخته شده و به مواردی نظیر سلامت فیزیکی و روانی، رضایتمندی، کاهش جرم و خشونت، توسعه پایدار، مشارکت، توسعه محله و غیره اشاره شده است. این مطالعات بیش از آنکه با روش، اهداف یا نتایج پژوهش حاضر، مرتبط باشند تأییدی بر ضرورت انجام آن هستند. ۲. دستهٔ دیگری از مطالعات به عواملی توجه دارند که با سطح سرمایهٔ اجتماعی (متغیر وابسته) رابطه دارند و به تأثیر مواردی نظیر تراکم، مدت اقامت، همگنی ساکنان، ثبات در سکونت، ... و نیز به‌طور گسترده به تأثیر شاخص‌های اجتماعی اقتصادی (سن، جنسیت، وضعیت اشتغال و تأهل، درآمد، تحصیلات و ...) بر سرمایهٔ اجتماعی اشاره کرده‌اند. ۳. بررسی رابطهٔ محیط ساخته شده (محیط کالبدی) و سرمایهٔ اجتماعی نقطهٔ تمرکز گروهی دیگر از مطالعات است. این مطالعات روند رو به رشدی پس از سال ۲۰۰۰ میلادی داشته‌اند اما دامنهٔ وسیعی ندارند. همین دسته قرابت بیشتری با اهداف و پرسش‌های این پژوهش دارند، می‌توان از نظر مؤلفه‌ها و متغیرها این مطالعات را در دو دستهٔ خرد و کلان[۳] جای داد (جدول۱). الف: برخی مطالعات در این دسته به محله و طراحی آن در سطح کلان نظر داشته‌اند و به بررسی رابطهٔ مواردی نظیر طراحی محله، شبکهٔ معابر اعم از سواره و پیاده، کاربری‌های موجود در محله... با سرمایه اجتماعی ساکنان پرداخته‌اند. این مطالعات در مجموع نتیجه گرفته‌اند که طراحی محله، طراحی فضاهای باز و عمومی، قابلیت پیاده‌روی، شبکهٔ معابر و طراحی آن‌ها، تنوع عملکردی و غیره، رابطهٔ مثبتی با سطح سرمایهٔ اجتماعی دارد. ب: برخی مطالعات به وجود رابطهٔ میان اجزاء خُرد محله یا واحد همسایگی نظیر نیمکت، سایبان، فضای سبز، وجود ایوان یا تراس و ... با میزان سرمایهٔ اجتماعی ساکنان اشاره دارند. به عبارتی در این پژوهش‌ها به تأثیر وجود یا عدم وجود عناصر خُرد مثل درخت و سایبان و یا چگونگی طراحی، محل قرارگیری و سطح آن‌ها با سرمایهٔ اجتماعی توجه شده است. ضروری است یادآوری شود برخی از این تحقیقات (خرد یا کلان) رابطهٔ هر یک از عوامل محیطی را با اجزاء یا مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (که در مطالعات مختلف تفاوهایی نیز دارند) بررسی کرده‌اند و برخی، سرمایه اجتماعی را به عنوان یک مفهوم کلی دیده‌اند. ٤. برخی تحقیقات به شاخص‌های عناصر کالبدی اشاره نکرده‌اند بلکه صرفاً به تأثیر مثبت وجود برخی مکان‌ها بر سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند، برای نمونه کرنیک (Crnic 2012) بیان کرده است که مراکز محله می‌توانند از طریق ایجاد فرصت برای تعامل همسایگان و فعالیت‌های مدنی بر سرمایهٔ اجتماعی مؤثر باشند. کاتل (Cattell 2001) نتیجه گرفته است که پیش‌بینی محیط فیزیکی مناسب برای تعاملات ساکنان، سبب افزایش تعاملات و در نهایت

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.75]

جدول۱: خلاصه‌ای از پیشینه موضوع با محوریت محیط کالبدی
Table1: Summary of Studies on Social Capital

	پژوهش	مولفه، متغیر	سرمایه اجتماعی	
			کلیت مفهوم	اجزاء مفهوم
کلان	(Leyden 2003)	پیاده محور، اختلاط عملکردی	*	
	(Rogers et al. 2010)	پیاده محور	*	
	(Wood 2006)	طراحی همسایگی، طرح‌بندی خیابان‌ها، و زیبایی محیط کالبدی		اعتماد، مشارکت اجتماعی
	(Cabrera 2013)	طراحی محله بر اساس تئوری‌های نوین شهرسازی	*	
	(Kang 2006)	طراحی فضاهای باز و عمومی		
	(Subramanian, Lochner and Kawachi 2003)	طرح محله (به عنوان یک کل)	*	
	(Wood, Corti and Bulsara 2012)	طراحی محله، پیاده محور		اعتماد، تعامل، مشارکت
خرد	(Semenza and March 2009)	اجزایی همچون نیمکت، سایبان سبز، نقاشی خیابانی، کیوسک‌های اطلاع رسانی	*	
	(Wood 2006)	خدمات و تسهیلات محلی (تنوع کاربری)		اعتماد، مشارکت اجتماعی
	(Holtan, Dieterlen and Sullivan 2014)	وجود درخت و سایبان سبز	*	
	(Wood et al. 2008)	نظافت و تمیزی همسایگی		اعتماد، مشارکت مدنی، تعامل
	(Vemuri et al. 2011)	فضای سبز، درخت	*	

شکل‌گیری سرمایهٔ اجتماعی می‌شود.

در مجموع، مطالعات (به‌ویژه گروه دو تا چهار) شواهدی را برای وجود رابطه میان محیط کالبدی و سرمایهٔ اجتماعی ارائه داده‌اند و در همان حال برخی از این مطالعات اشاره کرده‌اند که محیط کالبدی نمی‌تواند مستقیماً سرمایه اجتماعی را خلق کند، اما می‌تواند موقعیت و فرصت‌هایی را برای ملاقات و تعامل افراد ایجاد کند.

۳. مبانی نظری پژوهش

طرح و کاربرد مفهوم سرمایهٔ اجتماعی از جامعه‌شناسی، اقتصاد و علوم سیاسی آغاز و به تاریخ، آموزش و پرورش، سیاست اجتماعی، سیاست شهری و نیز بهداشت عمومی، طراحی شهری، معماری، پزشکی و مدیریت گسترش یافت (Field 2006 , Fukuyama 1997) این مفهوم، نخست توسط جاکوبز (Jacobs 1992) در حوزهٔ طراحی شهری و در پاسخ به معضلات اجتماعی محلات مسکونی طرح شد اما تعاریف اصلی و مرکزی آن توسط پاتنام، کلمن و بوردیو بیان شده است. سرمایهٔ اجتماعی شیئی واحد نیست، بلکه دارای انواع جنبه‌های گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همهٔ آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی بوده‌اند، و کنش‌های افراد را تسهیل می‌کنند (Coleman 2006) . بوردیو آن را در کنار سرمایهٔ فرهنگی، اقتصادی، و نمادین در نظریهٔ خود جای داده (Bourdieu 1985) و از دید پاتنام (Putnam 1996) سرمایهٔ اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای مؤثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب کنند. به بیانی ساده، بر اساس مفهوم سرمایهٔ اجتماعی، افراد و گروه‌ها منابعی دارند که الزاماً به سرمایه تبدیل نمی‌شوند، اما چنانچه میان آن‌ها تعاملی که کیفیت و کمیت لازم را داشته باشد، رخ دهد؛ آنگاه منابع به سرمایه تبدیل می‌شوند و در اختیار فرد یا گروه قرار می‌گیرند و می‌توانند از این سرمایه (همچون دیگر انواع سرمایه) برای پیشبرد اهداف و غلبه بر موانع استفاده کنند. تبیین مزایا و کارکرد سرمایهٔ اجتماعی سبب شد تا تمایل روزافزونی به این مفهوم در حوزهٔ سکونت و طراحی محلات ایجاد شود، به گونه‌ای که از بیش از دو دههٔ قبل حمایت از سرمایه اجتماعی و حفظ و ارتقاء آن در برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و یا توصیه‌هایی که برای توسعه یا بهبود محلات ارائه می‌شود،

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.75]

جایگـاهی مهـم و مؤکّـد یافتـه اسـت (Barton et al 2003; Forrest and Keans 2001).

پـژوهش در حـوزهٔ سـرمایهٔ اجتمـاعی و مسـکن بـا دشواری‌هایی روبرو است. بـرای سـرمایهٔ اجتمـاعی تعـاریف مختلفی ارائه و البته برای آن دلایلـی نیـز بیـان شـده اسـت (Adler and Kwon 2002). ازسـوی دیگـر تنـوعی در تقسیم‌بندی‌ها، اشکال و نیز رویکردهای مواجهـه بـا آن دیـده می‌شود که لازم است در امر پژوهش بدان توجه شود. بر ایـن اساس، این پژوهش برای آنکه بتواند به نتـایجی شـفاف‌تـر و کارآمـدتر برسـد، سـه پـیش‌فـرض یـا تـدبیر زیـر را بـرای شکل‌گیری مبانی تحقیق لحاظ می‌کند:

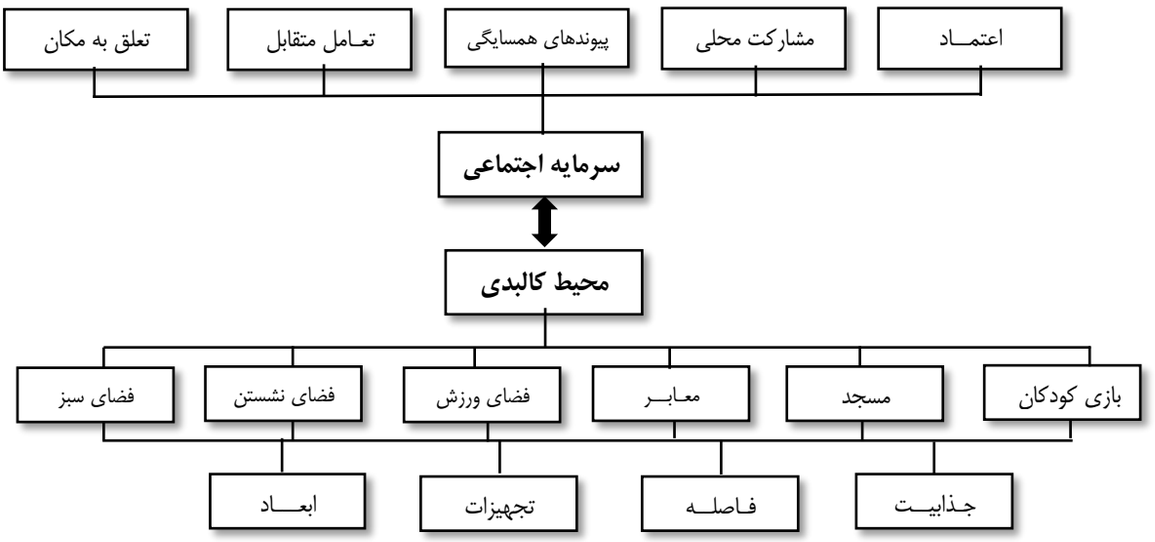
نخسـت، پـژوهش از میـان تقسـیم‌بنـدی‌هـای مختلـف، سـرمایهٔ اجتمـاعی را در دو شـکل «سـاختاری» و «شـناختی» بررسی می‌کند. سرمایهٔ اجتماعی ساختاری، جنبـه‌هـای عینـی سرمایهٔ اجتماعی نظیر شبکه‌ها، گروه‌های مذهبی، خیریه‌ای یـا داوطلبـی و ... را شـامل مـی‌شـود و سـاختار خـارجی قابـل مشاهده‌ای دارد. سرمایهٔ اجتماعیِ شناختی ناشـی از فراینـدی ذهنی است و شامل هنجارها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و اعتقـاداتی نظیر اعتمـاد و تعامـل‌متقابـل مـی‌شـود (Uphoff 2000) *دوم*، سرمایهٔ اجتماعی در سه سطح خرد (بستگان، دوستان) میـانی (گروه‌های غیررسمی، همسایگان، محلـه) کـلان (گـروه‌هـای رسمی، جامعـه) بـروز مـی‌کنـد (Grootaert and Bastelaer 2002). این پژوهش به سطح خرد و میـانی نظـر دارد. *سـوم*، رویکردهای مختلفی در مطالعهٔ سرمایهٔ اجتماعی وجود دارند، رویکرد نخست که به رویکرد این پژوهش نزدیک‌تر است بـه محتـوای پیونـدها (Adler and Kwon 2002) و منـابع (Fulkerson and Thompson 2008) و به بیانی ساده به افـراد توجه دارد و بدین می‌پردازد که چگونه افراد به منابع نهفته در شبکه‌های اجتماعی دسترسی می‌یابند و از آن استفاده می‌کننـد (Lin 2001). رویکرد دیگر بـه سـاختار پیونـدها (Adler and Kwon 2002) هنجارها و به بیانی دیگـر بـه شـبکه‌هـا توجـه می‌کند. در مجموع، ایـن پـژوهش بـرای مطالعـه، سـنجش و تعیین مؤلفه‌های سرمایهٔ اجتماعی آن را با رویکـرد فـردی، در سطح خرد و میانی (همسایگی) و در قالب دو شکل شـناختی و ساختاری در نظر می‌گیرد.

٤. طرح پژوهش

الـف) متغیرهـا: آنچنـان کـه در مطالـب پیشـین بیـان شـد، تحقیقات بر اساس اهداف و رویکردهـای خـود مؤلفـه‌هـای مختلفی را برای سنجش سرمایهٔ اجتماعی طرح کرده‌انـد، ایـن پژوهش برای سنجش متغیر وابسته یعنی سـرمایه اجتمـاعی و تعیین مؤلفه‌های آن به دلیل ۱. توجه بـه تـأثیرات اجتمـاعی و فرهنگی بستر (اسلام و ساختار اجتمـاعی) و ۲. همخـوانی بـا تـدابیر سـه‌گانـه از نظـر سـطح، رویکـرد و اشـکال سـرمایهٔ اجتماعی، به پژوهش پیربابـایی و دیگـران (Pirbabaei et al. 2016) و نظر به وجود متغیر محیط کالبدی به پژوهش پرکینز و لانگ (Perkins and Long 2002) رجوع کـرده اسـت و بـر این اساس پنج مؤلفه برای سرمایهٔ اجتماعی درنظر مـی‌گیـرد: اعتمـاد و تعامـل متقابـل (مؤلفـه‌هـای شـناختی) پیونـدهای همسایگی و مشارکت محلی (مؤلفه‌های سـاختاری) و تعلـق به محله.

سنجش محیط ساخته شده (متغیـر مسـتقل) در دو وجـه کلی انجام می‌شود. ۱. ساختارکالبدی: کـه در آن بـه سـنجش مواردی چون تراکم واحـدهای مسـکونی از نظـر مسـاحت و خانوار، سطح فضاهای تجاری و معابر، فضاهای بـاز، سـبز و غیره در سطح محلـه پرداختـه مـی‌شـود. ایـن امـر از طریـق نقشه‌های موجود شهری و نیـز گـردآوری اطلاعـات میـدانی صورت می‌گیرد. ۲. اجزاء کالبدی: بررسـی تحقیقـاتی کـه بـه ارزیابی فضاهای باز و عمومی در همسایگی‌هـا پرداختـه‌انـد، برای رسیدن به نتایجی دقیق‌تـر دو توصـیه داشـته‌انـد: انجـام ارزیابی ادراکـی سـاکنان (French et al. 2014; Koohsari et al. 2015) و استفاده از ترکیبی از روش‌ها (Gehl and Svarre 2013; Moore 2006). پژوهش‌ها همچنین در ارزیـابی خـود مؤلفه‌هایی چون موقعیت، فاصله، ابعاد، جذابیت، تسـهیلات و تجهیزات فضـاهای بـاز عمـومی را لحـاظ کـرده‌انـد. برخـی تحقیقـات (Koohsari et al. 2015) نیـز بیـان کـرده‌انـد کـه رایج‌ترین مؤلفه‌ها فاصله، ابعـاد، و جـذابیت هسـتند. بـر ایـن اساس برای سنجش اجزاء کالبدی همسـایگی، مؤلفـه‌هـای ۱.

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.75]



تصویر ۱: متغیرها و مؤلفه‌های پژوهش (مدل پژوهش)
Fig. 1: variables and indicators

فاصله، ۲. ابعاد، ۳. تجهیزات، ٤. زیبایی و جذابیت برای فضاهای باز و عمومی شامل ۱. کوچه و خیابان، ۲. پارک محلی، ۳. فضای نشستن، ٤. فضای بازی کودکان، ۵. فضای ورزش، ٦. مسجد و ۷. محله (به عنوان یک کل) در نظر گرفته شدند و مدل پژوهش به صورت زیر شکل گرفت (تصویر ۱).

ب) گردآوری داده‌ها و روش تحقیق: پژوهش برای تدقیق نتایج از سه وجهی[٤] روش شناختی استفاده کرد که در آن داده‌های هر یک از روش‌ها به تأیید یا تکمیل داده‌های روش‌های دیگر کمک می‌کنند. اطلاعات و داده‌ها با سه روش پیمایش، مشاهدات رفتاری، ساختار عینی گردآوری و از پیمایش و مشاهدات رفتاری برای سنجش سرمایهٔ اجتماعی و پیمایش و ساختار عینی محله برای سنجش محیط کالبدی استفاده شده است:

۱.پیمایش، که در آن محیط کالبدی همسایگی متغیر مستقل و سطح سرمایهٔ اجتماعی ساکنان متغیر وابسته تحقیق محسوب می‌شوند و با کمک راهبرد علّی مقایسه‌ای به بررسی رابطه میان آن‌ها پرداخته می‌شود. *پرسشنامه* سه بخش، برای جمع‌آوری داده‌های مرتبط با الف. شاخص‌های جمعیتی، ب. سرمایه اجتماعی، و ج. ادراک محیط کالبدی توسط ساکنان دارد. برای اطمینان از پایایی پرسشنامه، آزمون اولیه در بهار ۹۵ در یکی از نمونه‌ها (n=۵۰) انجام شد و در نهایت پرسشنامه که شامل ٤۳ پرسش بود (۲٤پرسش برای سرمایه اجتماعی، ۸ پرسش برای فضای باز و عمومی، ۱۱پرسش برای شاخص‌های جمعیتی) در مرداد ۹۵ در دو نمونه توزیع شد (n=۲۵٤). به منظور تعیین ساختار کلی و رابطهٔ بین متغیرها از الگوی معادلات ساختاری و برای تحلیل داده‌های پرسشنامه از نرم افزارهای SPSS ویراست ۲۳، MINITAB ویراست ۱۷ و AMOS ویراست ۲۳ استفاده و سطح معنی‌داری ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است.

۲. *مشاهدات*، مکان محور بودند و در آن‌ها جنسیت، ردهٔ سنی (کودک، جوان، میانسال، مسن)، نوع فعالیت (صحبت، خرید، بازی، پیاده‌روی، ...) و گروهی یا انفرادی بودن آن، در دو بازهٔ زمانی (صبح و عصر) و دو روز مختلف در هفته (میان هفته و ۵شنبه) ثبت می‌شد که در نهایت در دو نمونه ۸۷٦ فعالیت از ۱۲۱۱ نفر مشاهده و ثبت شد.

۳. مدارک و اسناد. بررسی و شناخت اولیهٔ محلات بر اساس نقشه‌های موجود از محلات (در فرمت dwg)، نقشه‌های شهری، و عکس‌های هوایی (Google Earth) آغاز شد. پس از به‌روزرسانی نقشه‌ها، از آن‌ها برای استخراج اطلاعات کالبدی دو نمونه نظیر تراکم، سطح فضای باز، کاربری‌ها و ... استفاده شد.

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.75]



تصویر۲: مجتمع چمران (نمونه ۱)
Fig. 2: Chamran Complex (Sample 1)

ج) نمونه‌ها: از آنجا که تحقیقات (Koohsari et al. 2012; Wood 2006; Kang 2006) توصیه کرده‌اند که وضعیت اقتصادی اجتماعی نمونه‌ها (با توجه به تأثیر آن‌ها بر سرمایهٔ اجتماعی) مشابه باشد، بنابراین تلاش شد تا نمونه‌های انتخابی نزدیک به یکدیگر و در یک ناحیه شهری باشند و در همان حال محیط کالبدی آن‌ها متفاوت باشد. بر این اساس مجتمع مسکونی شهید چمران و کوی برنجی (رسالت)[۵] در شهر تبریز که فاصله اندکی با یکدیگر دارند (۶۰۰متر) به عنوان نمونه‌ها انتخاب شدند. مجتمع چمران (تصویر۲) در قالب بلوک‌های سه تا پنج طبقه طراحی شده است، محصور است و ورودی و خروجی کنترل شده دارد. این مجموعه یک فضای سبز عمومی، زمین ورزش، تعداد ساختمان معدودی تجاری روزانه، و مسیر پیاده تعریف شده دارد و در عین حال چیدمان بلوک‌های آن به گونه‌ای است که حیاط‌هایی نیمه خصوصی بین آن‌ها ایجاد شده است. مساحت محدوده ۵٤۲۵۰ مترمربع است و ۳۳۱ واحد مسکونی در آن قرار دارد.[۶] رسالت، (تصویر۳) منطقه‌ای مسکونی است که در آن آپارتمان‌های سه تا هشت طبقه در



تصویر۳: محدودهٔ رسالت (نمونه ۲)
Fig. 3: Resalat Restrict (Sample 2)

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.75]

کنار خانه‌های یک یا دو طبقه وجود دارند. شبکهٔ معابر آن (متأثر از شهرسازی مدرن) شطرنجی و همگی سواره رو هستند. تجاری‌های روزانه، مسجد و مدرسه در جدارهٔ یکی از معابر داخلی آن قرار گرفته‌اند. یک پارک محلی که هم با یک خیابان عبوری از محله جدا شده و هم با محله‌های مجاور مشترک است، در جنوب آن وجود دارد. محدودهٔ مطالعاتی ۱۰۲۲۰۰ مترمربع مساحت دارد و دارای ۹۸۵ واحد مسکونی است.

۵. یافته‌ها

شاخص‌های جمعیتی: علاوه بر شاخص‌های جمعیتی که در جدول (۲) آمده‌اند باید اشاره کرد که میانگین سن جامعهٔ آماری ۴۰٫۸سال، مدت اقامت ۱۳٫٤ سال و **هزینه زندگی در ماه** ۲۲میلیون ریال بوده است.

سرمایه اجتماعی: داده‌های پیمایش نشان داد که سطح سرمایهٔ اجتماعی در دو نمونه به یکدیگر نزدیک است (جدول۳). در بین مؤلفه‌های پنج‌گانهٔ سرمایهٔ اجتماعی تنها در مؤلفه «مشارکت محلی» تفاوت معنی‌داری دیده شد و در نمونهٔ چمران این مؤلفه بالاتر بود. از آنجا که فاکتورهای جمعیتی بر سطح سرمایهٔ اجتماعی مؤثر دانسته شده‌اند (Field 2006) با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، تأثیر آن‌ها بر آزمون در نظر گرفته شد و مشخص شد که دو فاکتور جنسیت و نوع مالکیت (استیجاری یا تملک) بر سرمایهٔ اجتماعی تأثیر معنی‌دار داشته‌اند (جدول٤). پس از اعمال دو فاکتور مذکور و تحلیل مجدد داده‌ها، تفاوت‌هایی اندک در مؤلفه «پیوندهای همسایگی» و «مشارکت محلی» و برتری نسبی چمران مشاهده شد (جدول۵). در مجموع، سطح سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های پیوندهای همسایگی و مشارکت محلی در چمران اندکی بالاتر از رسالت است. این نتیجه‌گیری، با یافته‌های برآمده از مشاهدات نیز همخوانی دارد. مقایسهٔ فعالیت‌های گروهی و انفرادی در دو نمونه نشان داد که ٦٧٪ فعالیت‌های مشاهده شده در چمران گروهی است، در حالی که این عدد در رسالت ٤٨٪ است. همچنین اگر مجموع فعالیت‌های مشاهده شده در دو نمونه را بر اساس تعداد واحد مسکونی معادل‌سازی کنیم چمران امتیاز بیشتری نسبت به رسالت به دست می‌آورد (جدول6). به عبارتی میزان حضور افراد در فضاهای باز و عمومی و نیز فعالیت‌های گروهی آن‌ها در چمران بیشتر از رسالت است. افزایش فعالیت‌های گروهی به معنی افزایش کنش‌های گروهی (اجتماعی)، تعاملات، و پیوندها است و می‌تواند سبب بالا رفتن سطح سرمایهٔ اجتماعی شود.

محیط کالبدی: تحلیل ارزیابی ادراکی ساکنان از

جدول۲: شاخص‌های جمعیتی نمونه‌ها
Table 2: Social Economic Factors of Samples

متغیر		چمران		رسالت		جمع	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۳۲	۳۱/۴	۴۲	۲۷/۶	۷۴	۲۹
	زن	۷۰	۶۸/۶	۱۱۰	۷۲/۴	۱۸۰	۷۱
تأهل	مجرد	۳۰	۲۹/۴	۲۷	۱۷/۷	۵۷	۲۲/۴
	متأهل	۷۲	۷۰/۶	۱۲۵	۸۲/۳	۱۹۷	۷۷/۶
تحصیلات	دیپلم یا کمتر	۵۸	۵۶/۸	۸۴	۵۵/۲	۱۴۲	۵۶
	بالای دیپلم	۴۴	۴۳/۲	۶۸	۴۴/۸	۱۱۲	۴۴
اشتغال	شاغل	۲۷	۲۶/۵	۳۷	۲۴/۳	۶۴	۲۵/۲
	خانه‌دار، بازنشسته	۷۵	۷۳/۵	۱۱۵	۷۵/۷	۱۹۰	۷۴/۸
وضعیت مالکیت	مالک	۸۱	۷۹/۴	۱۱۸	۷۷/۶	۱۹۹	۷۸/۴
	اجاره‌ای	۲۱	۲۰/۶	۳۴	۲۲/۴	۵۵	۲۱/۶

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.75]

جدول۳: توصیف ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی در میان آزمودنی‌ها
Table 3: Describing the dimensions of social capital among subjects

زیرمقیاس	محله	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار
تعامل متقابل	چمران	۱۳/۱۹	۱۳/۰۰	۱۵/۰۰	**۲/۵۲**
	رسالت	۱۳/۱۹	۱۳/۰۰	۱۱/۰۰	**۲/۵۸**
پیوندهای همسایگی	چمران	۲۵/۰۹	۲۶/۰۰	۲۶/۰۰	**۵/۱۷**
	رسالت	۲۴/۷۲	۲۵/۰۰	۲۸/۰۰	**۵/۰۹**
اعتماد	چمران	۲۲/۲۸	۲۳/۰۰	۲۴/۰۰	**٤/٦٢**
	رسالت	۲۲/۴۶	۲۳/۰۰	۲۱/۰۰	**٤/٥٩**
مشارکت در محله	چمران	۲۴/۳۷	۲۴/۰۰	۲۳/۰۰	**٤/٧٥**
	رسالت	۲۳/۸۹	۲۴/۰۰	۲۵/۰۰	**٤/٤٠**
تعلق به مجموعه	چمران	۱۳/۸۸	۱۴/۰۰	۱۲/۰۰	**٤/٠١**
	رسالت	۱۳/۰۲	۱۳/۰۰	۱۶/۰۰	**٣/٩٤**
سرمایه اجتماعی	چمران	۹۸/۸۱	۱۰۰/۰۰	۹۵/۰۰	**١٥/٩٠**
	رسالت	۹۷/۲۹	۹۸/۵۰	۹۱/۰۰	**١٤/٨١**

جدول۴: تأثیر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بر سطح سرمایهٔ اجتماعی
Table 4: Impact of demographic characteristics on level of social capital

ویژگی جمعیت شناختی	رده	محله	میانگین	آماره F	p- مقدار
جنسیت	مردان	چمران	۱۰۲/۷۱	۳/۳۰۱	۰/۰۲۱
		رسالت	۱۰۱/۶۹		
	زنان	چمران	۹۷/۵۰	۲/۴۲۸	۰/۰۴۲
		رسالت	۹۵/۲۲		
وضعیت مالکیت واحد مسکونی	مالک	چمران	۹۹/۰۲	۲/۱۳۸	۰/۰۴۶
		رسالت	۹۶/۳۱		
	اجاره‌ای	چمران	۹۸/۲۶	۳/۵۶۲	۰/۰۱۷
		رسالت	۹۳/۷۶		

جدول۵: تأثیر ویژگی‌های جمعیت شناختی بر مؤلفه‌های سرمایهٔ اجتماعی
Table 5: Impact of demographic characteristics on level of social capital's Components

مولفه	ویژگی جمعیت شناختی	رده	محله	میانگین	آماره F	p- مقدار
پیوندهای همسایگی	**جنسیت**	مردان	چمران	۲۶/۴۴	۴/۷۹۰	۰/۰۲۹
			رسالت	۲۵/۶۰		
		زنان	چمران	۲۴/۴۷	۱/۲۲۴	۰/۱۳۸
			رسالت	۲۴/۰۱		
	وضعیت مالکیت واحد مسکونی	مالک	چمران	۲۶/۲۳	۴/۹۵۴	۰/۰۰۲
			رسالت	۲۳/۹۸		
		اجاره‌ای	چمران	۲۴/۵۴	۴/۱۰۰	۰/۰۴۸
			رسالت	۲۳/۸۲		
مشارکت در محله	**جنسیت**	مردان	چمران	۲۲/۳۱	۵/۴۵۷	۰/۰۲۰
			رسالت	۲۴/۳۳		
		زنان	چمران	۲۳/۹۴	۳/۸۹۸	۰/۰۰۹
			رسالت	۲۲/۳۵		
	وضعیت مالکیت واحد مسکونی	مالک	چمران	۲۶/۳۸	۷/۸۰۲	۰/۰۰۵
			رسالت	۲۳/۲۳		
		اجاره‌ای	چمران	۲۴/۳۲	۶/۶۳۴	۰/۰۱۰
			رسالت	۲۲/۷۴		

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.75]

جدول۶: معادل‌سازی امتیازات مشاهدات رفتاری در نمونه‌ها
Table 6: Equalization of scores of behavioral observations in samples

	رسالت				چمران			
	نفر		امتیاز		نفر		امتیاز	
	پارک	معابر	پارک	معابر	پارک	معابر	پارک	معابر
جمع	۱۳۲	۳۸۲	۱۳,۳	۳۸,۵	۸۱	۱۵۶	۲۴,۳	۴۷
جمع (امتیاز کل)			**۵۱,۸**				**۷۱,۳**	

فضاهای باز و عمومی و اطلاعات توصیفی محیط کالبدی نشان می‌دهند که رضایت افراد از فضاهای باز و عمومی در میان ساکنان چمران اندکی بیشتر از رسالت است (جدول۷). با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه تفاوت‌های معنی‌داری در برخی مؤلفه‌های فضاهای باز و عمومی مشاهده شد. رضایت ساکنان چمران از «ابعاد و اندازه» و «جذابیت» فضاهای باز و عمومی بیشتر از ساکنان رسالت بود و در مؤلفه‌های دیگر تفاوت معنی‌داری دیده نشد.

اما بررسی شاخص‌های عینی دو نمونه، نکات جدیدی را به پژوهش عرضه می‌کنند (جدول۸). نمونهٔ رسالت معابر پیاده و فضای سبز کمتر دارد و در همان حال تراکم، سطح سواره و سطح اشغال در آن بیشتر است. سطح فضای سبز چمران چهار برابر بیشتر از رسالت است، و همهٔ این نسبت‌ها نشان‌دهندهٔ آن هستند که ساکنان چمران نسبت به ساکنان رسالت فضای باز وسیع‌تری را در اختیار دارند. در کنار این مزایا، ۷۵٪ معابر چمران به پیاده اختصاص دارد، از منظری دیگر، فضاهای باز و عمومی چمران کیفیت‌های مختلفی دارند و می‌توان عرصه‌های نیمه‌عمومی (حیاط بین بلوک‌ها) و عرصه عمومی (پارک محله) را در مجموعه نام برد. تفکیک فضایی و عملکردی، در کنار سطح وسیع فضای باز، تراکم کم، و تسهیل حرکت پیاده در چمران همگی شاخص‌هایی هستند که ارزیابی مثبتی از مجموعه به دست داده‌اند و آن را برای حضور و کنش اجتماعی ساکنان مناسب می‌کنند.

در مجموع، تفاوت در شاخص‌های عینی دو نمونه قابل توجه بود و انتظار می‌رفت ارزیابی ادارکی ساکنان از محیط کالبدی محلهٔ خود نیز تفاوتی قابل توجه و هم‌سطح با تفاوت در شاخص‌های عینی داشته باشد اما این اختلاف اندک بود. یافتن دلایل این امر می‌تواند موضوع پژوهش‌های دیگر باشد، اما این نتایج می‌توانند دلیلی بر نزدیکی سطح سرمایهٔ اجتماعی در دو نمونه نیز باشند.

جدول۷: توصیف ابعاد متغیر فضاهای عمومی در میان آزمودنی‌ها
Table 7: Describing the dimensions of public open spaces among subjects

زیرمقیاس	محله	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار
ابعاد و اندازه	چمران	۱۱/۶۷	۱۲/۰۰	۱۲/۰۰	۲/۸۹
	رسالت	۱۰/۹۳	۱۱/۰۰	۹/۰۰	۲/۷۲
تجهیزات	چمران	۱۰/۶۰	۱۰/۰۰	۱۰/۰۰	۲/۶۳
	رسالت	۱۰/۷۲	۱۰/۵۰	۹/۰۰	۲/۶۷
فاصله	چمران	۹/۵۵	۱۰/۰۰	۱۰/۰۰	۲/۰۶
	رسالت	۹/۹۳	۱۰/۰۰	۱۰/۰۰	۲/۰۸
جذابیت	چمران	۱۸/۲۷	۱۹/۰۰	۲۰/۰۰	۴/۳۹
	رسالت	۱۶/۵۷	۱۷/۰۰	۱۷/۰۰	۴/۲۸
فضاهای عمومی	چمران	۸۶/۸۰	۸۷/۵۰	۸۷/۰۰	۱۶/۳۹
	رسالت	۸۴/۶۸	۸۴/۰۰	۸۴/۰۰	۱۵/۰۷

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.75]

جدول۸: شاخص‌های عینی نمونه‌ها
Table 8: subjective indicators

	چمران	رسالت
مساحت کل (متر مربع)	۵۴۲۵۰	۱۰۲۲۰۰
تعداد واحدهای مسکونی	۳۳۱	۹۸۵
خانه (الگوی سکونت)	۰	٪۱۱,۵
آپارتمان (الگوی سکونت)	٪۱۰۰	٪۸۸,۵
تراکم (هکتار/واحد)	۶۱	۹۵
تراکم مسکونی	۱۳۰	٪۱۷۰
تجاری، آموزشی، مذهبی، ...	٪۰,۱	٪۸,۵
فضای سبز (پارک محلی)	٪۳۰	٪۸,۵
مسکونی (عرصه)	٪۳۱	٪۶۱,۵
معابر	٪۳۵	٪۲۱,۵
فضاهای باز عمومی	٪۶۵	٪۳۰
فضاهای باز	٪۶۵	٪۵۴,۵
نسبت سطح سواره (سطح معابر/سطح سواره)	٪۲۵	٪۷۵,۳
نسبت سطح پیاده (سطح معابر/سطح پیاده)	٪۷۵	٪۲۴,۷

رابطهٔ سرمایه اجتماعی و محیط: از تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون برای پاسخ به پرسش پژوهش استفاده شد و فرضیات پژوهش تأیید شدند. نتایج نشان دادند که میان فضاهای باز و عمومی محلات و سرمایهٔ اجتماعی ساکنان رابطه وجود دارد، همچنین مشخص شد با افزایش حضور افراد در فضاهای باز و عمومی، سرمایه اجتماعی آن‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند، به علاوه هر چه رضایت افراد از این فضاها بیشتر باشد میزان حضور آن‌ها و در نتیجه، سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد (جدول۹). این نتیجه همسو با نتایج رفتاری است (جدول٦)، در نمونه‌ای که حضور افراد در آن کمتر است (رسالت) سطح سرمایهٔ اجتماعی ساکنان آن نیز پایین‌تر است.

از سوی دیگر، استفاده از تحلیل گروه‌های چند متغیره نشان داد که رابطهٔ فضاهای عمومی با سرمایهٔ اجتماعی در دو نمونه معنادار است و شدت رابطه در چمران بیشتر از رسالت است (ضریب مسیر چمران=۰/۵۳۰ و رسالت=۰/۳۸۳).

مؤلفه‌های کالبدی و سرمایهٔ اجتماعی: در سطح بعدی تحلیل، به بررسی رابطهٔ هر یک از مؤلفه‌های کالبدی با سرمایهٔ اجتماعی پرداخته شد. تحلیل داده‌ها و استفاده از ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین همهٔ مولفه‌های فضاهای باز و عمومی با سرمایه اجتماعی رابطه معنی دار از نوع افزایشی وجود دارد، و در بین این مؤلفه‌ها قوی‌ترین رابطه، بین «جذابیت» و سرمایهٔ اجتماعی (۰/٤۱۷) وجود دارد (جدول۱۰). بررسی شدت رابطهٔ هر یک از مؤلفه‌ها با سرمایهٔ

جدول۹: آزمون فرضیات، بررسی رابطه بین میزان حضور افراد در فضاهای باز و عمومی، رضایت و سرمایه اجتماعی
Table 9: Investigating the relationship between the presence of individuals in open and public spaces, satisfaction and social capital

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	p– مقدار	فراوانی	نوع رابطه
میزان حضور افراد در فضاهای باز و عمومی و **سرمایه اجتماعی**	۰/۴۷۹	۰/۰۰۱	۲۵۴	مستقیم
میزان رضایت افراد از فضاهای باز و عمومی و **سرمایه اجتماعی**	۰/۴۷۹	۰/۰۰۱	۲۵۴	مستقیم
میزان حضور افراد در فضاهای باز و عمومی و **میزان رضایت** افراد از فضاهای باز و عمومی	۰/۱۶۸	۰/۰۰۱	۲۵۴	مستقیم

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.75]

جدول۱۰: بررسی رابطه بین مؤلفه‌های فضاهای عمومی در برابر سرمایهٔ اجتماعی
Table 10: Investigating the relationship between public and open spaces indicators versus social capital

متغیر	سرمایه اجتماعی	ابعاد و اندازه	تجهیزات	فاصله	جذابیت
سرمایه اجتماعی	۱				
ابعاد و اندازه	۰/۲۳۴**	۱			
تجهیزات	۰/۲۷۵**	۰/۷۴۲**	۱		
فاصله	۰/۳۴۹**	۰/۶۰۱**	۰/۵۵۸**	۱	
جذابیت	۰/۴۰۷**	۰/۵۸۸**	۰/۶۲۲**	۰/۶۰۷**	۱

*در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار (p<۰/۰۵)، **در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار (p<۰/۰۱)

اجتماعی در چمران (۰/۳۴۰ تا ۰/۵۵۹)، و رسالت (۰/۱۶۸ تا ۰/۲۳۶) نشان می‌دهد که رسالت در رتبهٔ پایین‌تری قرار دارد و به عبارتی محیط کالبدی رسالت در همهٔ مؤلفه‌ها کمترین رابطه را با سرمایه اجتماعی برقرار کرده است. این نتیجه، تأییدی است بر آنچه در سطور قبل گفته شد: شاخص‌های عینی رسالت و سطح سرمایه اجتماعی ساکنان آن پایین‌تر و کمترین رابطه بین محیط و سرمایهٔ اجتماعی در آن برقرار است.

مکان‌ها و سرمایهٔ اجتماعی: تحلیل داده‌ها و استفاده از ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که از بین مکان‌های مختلف (تصویر۱) قوی‌ترین رابطه با سرمایهٔ اجتماعی به ترتیب متعلق است به ۱. محله (به عنوان یک کل) ۲ .فضاهای سبز و ۳. معابر (جدول۱۱). اهمیت پارک و فضای سبز و تأثیر آن بر رضایت ساکنان از محله (Kaplan 1983) و نیز به عنوان مکانی مهم برای شکل‌گیری تعاملات (Kaźmierczak 2013) در برخی از تحقیقات مورد اشاره قرار گرفته‌اند و بنابراین پارکِ محلی، مکان مناسبی برای وقوع فعالیت‌های انتخابی و اجتماعی ساکنان است و این اتفاقی است که در چمران رخ داده (۳۷٪) و مشاهدات نیز آن را تأیید می‌کنند. در مقابل، در رسالت، معابر با ۳۷٪ بیشترین مکان برای ملاقات‌ها اعلام شده است. مشاهدات نیز نشان می‌داد، تعداد افراد مشاهده شده در معابر رسالت نسبت به پارک بیشتر است (۷۸٪ در معابر و ۲۲٪ در پارک). با توجه به آنکه معابر رسالت اغلب سواره‌رو هستند، بنابراین اولاً تعاملات در مکانی نامطلوب رخ می‌دهند، ثانیاً کنش‌ها از نوع فعالیت‌های انتخابی و نه اجتماعی هستند که در نهایت می توانند دلیلی برای کاهش سرمایه اجتماعی باشند. یکی از نکات قابل توجه در رسالت، وقوع تعاملات در مسجد محله است که بیان کنندهٔ اهمیت نقش مسجد محله به عنوان مکانی برای تعاملات ساکنان است.

جدول۱۱: بررسی رابطه بین انواع فضاهای عمومی در برابر سرمایه اجتماعی
Table 11: Investigating the relationship between public and open spaces types versus social capital

متغیر	سرمایه اجتماعی	کوچه‌ها، مسیرهای پیاده و دسترسی	فضای بازی کودکان	فضاهای باز و عمومی محله	محله
سرمایه اجتماعی	۱				
کوچه‌ها، مسیرهای پیاده و دسترسی	۰/۳۲۲**	۱			
فضای بازی کودکان	۰/۲۲۹**	۰/۴۲۷ **	۱		
فضاهای باز و عمومی محله	۰/۳۲۹**	۰/۵۷۶ **	۰/۶۴۱ **	۱	
محله	۰/۳۶۶ **	۰/۵۱۷ **	۰/۳۶۲ **	۰/۵۱۰ **	۱

*در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار (p<۰/۰۵)، **در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار (p<۰/۰۱)

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.75]

٦. جمع‌بندی و بحث

بررسی داده‌های برآمده از پیمایش و مشاهدات نشان می‌دهد که سطح سرمایهٔ اجتماعی ساکنان و برخی مؤلفه‌های آن (مشارکت محلی) در نمونهٔ چمران بیشتر از رسالت است، اما این تفاوت، اندک و کمتر از انتظار پژوهش است. تفاوت‌های مشهود و نابرابری در شاخص‌های عینی دو نمونه، نظیر سطح معابر، فضای سبز، تراکم، ... بیانگر وجود تفاوت در محیط کالبدی و فضاهای باز و عمومی آن‌ها است، به گونه‌ای که غالب شاخص‌های کالبدی که تحقیقات پیشین به رابطهٔ مثبت آن‌ها با سرمایهٔ اجتماعی اشاره داشته‌اند در نمونه چمران بهتر و بالاتر بوده‌اند، اما سطح سرمایهٔ اجتماعی ساکنان چمران تنها اندکی بالاتر از رسالت است. دریافت دلایلِ این عدمِ همخوانی، در توان این پژوهش نیست اما شاید بتوان گفت ساکنان نسبت به کالبد پیرامون خود، به دلایل مختلف، بی‌توجه هستند و حساسیت اندکی دارند. این احتمال از آنجا قوت می‌یابد که (علی‌رغم برتری محیط کالبدی چمران نسبت به رسالت) نتایج ارزیابی ادراکی ساکنان از فضاهای باز و عمومی در دو نمونه، نیز تفاوت‌های فاحشی را نشان نمی‌دهند. به بیانی دیگر تغییر در محیط کالبدی نتوانسته تغییری معادل و هم‌سطح در الگوهای رفتاری کاربران و نیز ادراک آن‌ها از محیط داشته باشد. وجود بستر مناسب و فرصت‌های محیطی در چمران سبب نشده است تا کنش‌های اجتماعی و تعاملاتی که لازمهٔ شکل‌گیری سرمایه اجتماعی هستند؛ بیشتر و قوی‌تر از رسالت رخ دهند.

فارغ از این نتیجهٔ کلی، و در سویی دیگر، شهرسازی جدید افزایش شاخص‌های تراکم، فضای سبز، فضای باز، و معابر پیاده را راهکاری برای افزایش حضور ساکنان، تعاملات اجتماعی، حس اجتماعی و ... دانسته است. تأثیر تعدادی از این شاخص‌ها نظیر فضای سبز و معابر پیاده در پژوهش حاضر تأیید می‌شوند (گرچه با تأثیری اندک) اما تأثیر تراکم بالا مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. در جمع‌بندی و از منظر کلان، نتایج این پژوهش نشان می‌دهند، شاخص‌هایی چون سطح فضای باز، و سطح معابر پیاده رابطه‌ای قوی‌تر از تراکم با سرمایه اجتماعی دارند.

این پژوهش همچنین بیان می‌کند که میان حضور افراد در فضاهای باز عمومی و سطح سرمایهٔ اجتماعی آنان رابطه وجود دارد و در میان مؤلفه‌های این فضاها چنانچه جذابیت آن‌ها که شامل مواردی چون نگهداری، نظافت، نور، وجود فضای سبز در معابر، جذابیت نماها و بدنه‌ها[۷] می‌شود، افزایش یابد بر رضایت ساکنان از فضاهای باز و عمومی و در نتیجه حضور و کنش آن‌ها و در نهایت افزایش سطح سرمایهٔ اجتماعی، بیشترین تأثیر مثبت را خواهد گذاشت. پیمایش و مشاهدات رفتاری نشان می‌دهند پارک محله مکانی کلیدی برای وقوع فعالیت‌های اجتماعی و انتخابی است و توجه به آن در طراحی می‌تواند بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی مؤثر باشد (Kaplan 1983 ; Kazmierczak 2013). کوچه‌ها و معابر نیز می‌توانند چنین نقشی ایفا کنند بنابراین توجه به آن‌ها و به ویژه اختصاص سطح کافی به پیاده‌راه‌ها، با اهمیت به نظر می‌رسد. بر اساس نمونه‌های مورد مطالعه، ترکیب کوچه‌ها و کاربری‌های محلی می‌تواند به آن‌ها اجازه دهد که علاوه بر فعالیت‌های انتخابی، پذیرای فعالیت‌های اجتماعی نیز باشند. چنانچه پارک محلی به لحاظ کیفی و کمی، رضایت ساکنان را تأمین نکند، تعاملات به مکان‌های دیگر نظیر کوچه‌ها و خیابان‌ها منتقل می‌شود و چنانچه معابر نیز مطلوبیت لازم را نداشته باشند، (نظیر رسالت) سطح تعاملات و در نتیجه سطح سرمایهٔ اجتماعی کاهش می‌یابد. مساجد بستر مناسبی برای وقوع تعاملات اجتماعی هستند، در رسالت (که دارای مسجد است)، سومین جایگاه از نظر محل وقوع تعاملات اجتماعی به مسجد اختصاص دارد که نشان دهندهٔ نقش مؤثر یک مرکز مذهبی بر تعاملات و سرمایه اجتماعی ساکنان است.

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.75]

نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی که به منابع موجود در روابط افراد و گروه‌ها نظر دارد و آن‌ها را چون سرمایه‌ای در جهت پیشبرد اهداف فردی و جمعی می‌بیند در قرن حاضر به عنوان گزینه‌ای برای مقابله با چالش‌های اجتماعی سکونتگاه انسان در قالب محلات و همسایگی‌ها مطرح شده است. استفاده از مفاهیمی چون سرمایه اجتماعی که در علوم و حوزه‌های دیگر مطرح شده‌اند به طراحان کمک می‌کنند تا تصویری روشن‌تر از آنچه در محلات و همسایگی‌ها می‌گذرد، پیدا کنند و به مدد آن به ارائه راهکارهای کالبدی بپردازند. این مفاهیم، پدیده‌های اجتماعی را به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که بررسی رابطهٔ میان محیط کالبدی همسایگی‌ها و محلات با الگوهای رفتاری کاربران، ممکن می‌شود و گشایشی در طرح پیشنهادات کالبدی به وجود می‌آید که به ارتقاء و تقویت مفاهیم مذکور و در نهایت رفع یا کاهش چالش‌ها و مشکلات اجتماعی محلات منتهی می‌شود. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی و شناخت مؤلفه‌ها و شاخص‌های کالبدی مؤثر بر سطح سرمایه اجتماعی ساکنان در همسایگی‌ها، به مطالعه بر دو نمونه در شهر تبریز، متمرکز شد. نمونه‌ها از منظر کالبدی متفاوت ولی از نظر شاخص‌های جمعیتی اقتصادی نزدیک به یکدیگر انتخاب شدند. پژوهش برای تدقیق نتایج، در انتخاب مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، سطح، رویکرد و اشکال سرمایه اجتماعی را به‌صورت مشخص و شفاف تعیین کرد و در بررسی متغیرها (سرمایه اجتماعی و محیط کالبدی) از مجموعه‌ای از داده‌ها (پیمایش، مشاهده، ساختار عینی) و ترکیب آن‌ها برای نتیجه‌گیری استفاده کرد.

بررسی و تحلیل داده‌ها نشان داد، شاخص‌های کالبدی دو محله به‌ویژه از منظر مؤلفه‌هایی که پژوهش‌های پیشین آن‌ها را بر سرمایهٔ اجتماعی مؤثر دانسته بودند، با یکدیگر تفاوت داشت، اما سطح سرمایه اجتماعی ساکنان و ارزیابی آن‌ها از محیط سکونت خود به یکدیگر نزدیک بود. بررسی دلایل تأثیر اندک محیط بر رفتار ساکنان و بی‌توجهی یا فقدان حساسیت ساکنان به محیط پیرامون (در بستر پژوهش) می تواند و باید موضوع تحقیقات دیگری باشد، اما این پژوهش بیان می‌کند که نمی‌توان انتظار داشت با تغییر در محیط کالبدی، تغییری متوازن و متعادل در الگوهای رفتاری ساکنان ایجاد شود. ورای این نتیجه کلی و قابل توجه، تحلیل‌ها نشان دادند همهٔ مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر سرمایهٔ اجتماعی که در غرب انجام شده، عیناً در بستر ایران، صادق نیست و از میان شاخص‌های کالبدی، شاخص سطح فضای باز، و سطح معابر پیاده رابطه‌ای قوی‌تر از تراکم با سرمایه اجتماعی دارند. برای تأثیرگذاری بر سرمایهٔ اجتماعی از طریق تغییر یا اصلاح کالبد، مؤثرترین اقدام پیش‌بینی فضای سبز عمومی (پارک محلی) است و در میان مؤلفه‌های تاثیرگذار، جذابیت فضاهای باز و عمومی، قوی‌ترین رابطه را با سرمایه اجتماعی ساکنان دارد.

پژوهش، در مجموع بیان می‌کند شدت رابطهٔ میان شاخص‌های فضاهای باز و عمومی با الگوهای رفتاری ساکنان کمتر از انتظار بود بنابراین اولاً ضروری است در اصلاح، طراحی یا بهسازی محیط کالبدی محلات مسکونی ملاحظات (اجتماعی) بستر ایران لحاظ شود و ارجاع به پژوهش‌های غربی و اتکاء به نتایج آن‌ها با احتیاط صورت گیرد، ثانیاً دریافت دلایلی برای تأثیر اندک محیط کالبدی بر ارزیابی ساکنان از آن و یا کسب شناختی دقیق‌تر از مؤلفه‌های مؤثر بر ادراک محیطی ساکنان، مستلزم پژوهش‌های گسترده‌ای است تا پیش از تصمیم‌گیری، نخست شناخت مناسبی از نسبت میان محیط اجتماعی و کالبدی محلات در جامعه امروز ایران به‌دست آید.

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.75]

پی‌نوشت‌ها

۱. Sense of Community
۲. ذکر همه منابع به دلیل محدودیت مقاله از نظر حجم و صفحات مقدور نبود، جهت اطـلاع از جملـه نـک: (Wood, Corti and Bulsara 2012)
۳. برای مشاهده دسته‌بندی جامع دیگری نک:(Wood and Corti 2008)
٤. Triangulation
۵. این نام بیشتر در میان ساکنان قدیمی رواج داشته است و ساکنان جدید عموماً محله را به نام خیابان رسالت می‌شناسند.
٦. بخشی از مجموعه در اختیار نیروهای مسلح است و از بقیه مجتمع منفک شده که جزء محدوده مطالعاتی نیز قرار نمی‌گیرد.
۷. مؤلفه جذابیت ابنیه و نماها، معرف برداشت ذهنی افراد است و تبدیل آن به مولفه‌های معماری می‌تواند موضوع پژوهشی دیگر باشد.

فهرست منابع

بحرینی، سید حسین. ۱۳۷۵. تحلیل فضاهای شهری، تهران: دانشگاه تهران.

پیربابایی، محمدتقی. فیروزآبادی، سیداحمد. حجت، عیسی. سلطان زاده، محمد. ۱۳۹۵. دین و سرمایه اجتماعی: واکاوی ظرفیت‌های اجتماعی جامعه اسلامی ایران، نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان. ٦(۱): ۱۲۸-۱۰۷.

جاکوبز، جین. ۱۹۲۲. مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی. ترجمه حمیدرضا پارسی. آرزو افلاطونی. ۱۳۹۲. تهران: دانشگاه تهران.

حبیبی، سید محسن. ۱۳۸۲. چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوان‌بندی محله. هنرهای زیبا. ۱۳: ۳۹-۳۲.

فوکویاما، فرانسیس. ۱۹۹۷. پایان نظم (بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن). ترجمه: غلامعباس توسلی. ۱۳۸٦. تهران: حکایت قلم نوین.

فیروز آبادی، سید احمد. ۱۳۸٤. بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران، رساله دکتری، دانشگاه تهران.

فیلد، جان. ۲۰۰٦. سرمایه اجتماعی، ترجمه: غلامرضا غفاری. حسین رمضانی. ۱۳۸٦. تهران: کویر.

کارمونا، متیو. هیت، تیم. تیسدل، اوسیل. ۲۰۰۳. مکان‌های عمومی، فضاهای شهری: ابعاد گوناگون طراحی شهری. ترجمـه: مهشـید شـکوهی، اسماعیل صالحی، فریبا قرائی، زهرا اهری. ۱۳۸۸. تهران: دانشگاه هنر تهران.

کلمن، جیمز. ۲۰۰٦. بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه: منوچهر صبوری. ۱۳۸٦. تهران: نی.

گهل، یان. ۱۹۸۷. زندگی در فضای میان ساختمان‌ها. ترجمه: شیما شصتی. ۱۳۹۲. تهران: جهاد دانشگاهی.

منابع انگلیسی

Adler, Paul.S. Kwon, Seok-Woo. 2002. Social Capital: Prospects for a New Concept. Academy of Management Review. 27(1): 17-40.

Barton, H. Grant, M. and Guise, R. 2003. Shaping Neighborhoods: A Guide for Health, Sustainability and Vitality. London and New York: Spon Press.

Bourdieu, P. 1985. The forms of capital. In Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education. ed. J.G. Richardson, 241-258, New York: Greenwood.

Cabrera, J.F. 2013. New Urbanism and Selection Bias in the Formation of Social Capital. Housing Policy Debate. 23(2):376–394.

Carmona, M. T. Heath, S. and Tiesdell, Oc. 2003. Public Places, Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design. Translate by Fariba Gharaei, Zahra Ahari, Mahshid Shokouhi, Esmaeil Salehi. 2012. Tehran: Art University of Tehran. [in Persian]

Cattell, V. 2001. Poor People, Poor Places and Poor Health: The Mediating Role of Social Networks and Social Capital. Social Science & Medicine. 52:1501–16.

Coleman, James. 2006. Foundations of Social Theory. Translated by Manouchehr Saboori. 2007. Tehran, Nei. [in Persian]

Crnic, M. 2012. Social Capital and Neighbourhood Centers in Queensland: Qualitative Case Studies of Three Neighbourhood Centers. PhD diss. Queensland University of Technology.

Field, John. 2006. Social Capital. Translated by Gholamreza Ghaffari, Hosein Ramazani. 2007. Tehran: Kavir. [in Persian]

Firouzabadi, S.A. 2006. The factors affecting the formation of social capital in Tehran, PhD diss. Tehran University. [in Persian]

Forrest, R. Kearns, A, 2001. Social Cohesion, Social Capital and the Neighbourhood. Urban Studies. 38(12): 2125-2143

Francis, J. Corti, B. Wood, L. Knuiman, A. 2012. Creating Sense of Community: The Role of Public Space, Journal of Environmental Psychology. 32: 401–409

French, S. Wood, L. Foster, S.A. Giles-Corti, B. Frank, L. Learnihan, V. 2014. Sense of Community and Its Association with The Neighborhood Built Environment. Environment Behavior. 46(6): 677–697.

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.75]

Fukuyama, F. 1997. The End of the Order. Translated by Gholamreza, Tavasolli. 2007. Tehran, Hekayat ghalam novin. [in Persian]
Fulkerson, G.M and Thompson, G.H. 2008. The Evolution of a Contested Concept: A Meta-Analysis of Social Capital Definitions and Trends, Sociological Inquiry, 78(4):536–557
Gehl, J. 1987. Life Between Buildings: Using Public Space. Translated by shima shastchi. 2013. Tehran: Tehran University. [in Persian]
Gehl, J and Svarre, B. 2013. How to Study Public Life, Translated by Karen A. Steenhard. 2014. Washington: Island Press.
Grootaert, C. Bastelaer, T.V. 2002. Understanding and Measuring Social Capital: A Multidisciplinary Tool for Practitioners, Washington D.C.: World Bank.
Holtan, M. T. Dieterlen, S.L. and Sullivan, W.C. 2014. Social Life Under Cover: Tree Canopy and Social Capital in Baltimore, Maryland. Environment & Behavior. 46(6): 1–24
Jacobs, Jane. 1992. The Death and Life of Great American Cities, Translated by Hamidreza Parsi and Arezoo Aflatooni.2013. Tehran: Tehran University. [in Persian]
Kang, B, (2006.. Effect of Open Spaces on The Interpersonal Level of Resident Social Capital: A Comparative Case Study of Urban Neighbourhoods in Guangzhou. PhD diss. A&M University.
Kaplan, S. 1983. A Model of Person-Environment Compatibility. Environment and Behavior. 15:311–332.
Kazmierczak, A. 2013. The Contribution of Local Parks to Neighborhood Social Ties. Landscape and Urban Planning. 109(1): 31-44.
Koohsari, M.J. Karakiewicz, J.A. Kaczynski, A.T. 2012. Public Open Space and Walking: The Role of Proximity, Perceptual Qualities of the Surrounding Built Environment, and Street Configuration. Environment and Behavior. 45(6): 706–736.
Koohsari, M. J. Mavoa, S. Villanueva, k. Sugiyama, T. Badland, H. kaczynski, A.T. Giles-Corti, B. 2015. Public Open Space, Physical Activity, Urban Design and Public Health: Concepts, Methods and Research Agenda. Health & Place. 33: 75-82.
Leyden, K. M. 2003. Social capital and built environment: The Important of Walkable Neighborhoods. American Journal of Public Health. 9: 1546-51
Lin, N. 2001. Social Capital: A Theory of Social Structure and Action. Cambridge: Cambridge University Press.
Moore, G.T. 2006. Environment, Behaviour and Society: A Brief Look at the Field and Some Current EBS Research at the University of Sydney. In Proceedings of the 6th International Conference of the Environment-Behaviour Research Association. China. May.
Perkins, D.D. and Long, D.A. 2002. Neighborhood Sense of Community and Social Capital: A Multi-level Analysis. In Psychological Sense of Community: Research, applications, and implications. ed. A. Fisher, C. Sonn, and B. Bishop, 291-318. New York: Plenum.
Pirbabaei, M.GH, Firouzabadi, A, Hojjat, I, Soltanzadeh, M. 2016. Religion and Social Capital Analysis of Social Capacities of the Islamic Society of Iran. Social Theories of Muslim. 6(1): 107-128. [in Persian]
Putnam, R. D. 1996. Who Killed Civic American? Prospect. 7(24): 66-72.
Semenza, J.A. March, T.L. 2009. An Urban Community-Based Intervention to Advance Social Interactions, Environment and Behavior. 41(1): 22-42.
Subramanian, S.V. Lochner, K. A. Kawachi, I. 2003. Neighborhood Differences in Social Capital: A Compositional Artifact or a Contextual Construct? Health & Place. 9: 33-44.
Rogers, S. H., Halstead, J. M., Gardner, K. H. and Carlson, C. H. 2010. Examining Walkability and Social Capital as Indicators of Quality of Life at The Municipal and Neighborhood scales. Applied Research Quality of Life. 6(2): 201–213.
Uphoff, N. 2000. Understanding Social Capital: Learning from the Analysis and Experience of Participation. In Social Capital: A Multifaceted Perspective. ed. Partha Dasgupta and Ismail Serageldin. 215-249. Washington D.C.: World Bank.
Vemuri, A.W. Grove, G.M. Wilson, M.A. Burch, W.R. 2011. A Tale of Two Scales: Evaluating the Relationship Among Life Satisfaction, Social Capital, Income, and the Natural Environment at Individual and Neighborhood Levels in Metropolitan Baltimore. Environment and Behavior. 43(1): 3-25.
Weller, S. Bruegel, L. 2009. Children's 'Place' in the Development of Neighbourhood Social Capital. Urban Study. 46(3): 629–643.
Wood, L. 2006. Social Capital, Neighbourhood Environment and Health: development of measurement tools and exploration of links through qualitative and quantitative research. PhD diss. University of Western Australia.
Wood, A. Giles-Corti, B. 2008. Is There a Place for Social Capital in The Psychology of Health and Place?. Journal of Environmental Psychology. 28:154–163.
Wood, L. Shannon, T. Bulsara, M. Pikora, T. McCormack, G. Giles-Corti, B. 2008. The anatomy of the safe and social suburb: An exploratory study of the built environment, social capital and residents' perceptions of safety. Health & Place. 14: 15–31.
Wood, A. Giles-Corti, B. Bulsara, M. 2012. Does Social Capital Vary with Neighbourhood Design. Urban Studies Research. 2012: 1-11.

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.75]